

شیوه‌های معماری ایران

شیوه خراسانی

شهرین لطفی زاده

اگر روزگاری چند تن خودخواه در کاخپائی می‌زیستند که هنگام تماشای با روی آنها کلاه از سر می‌افتاد و دیگران حتی دیواری جیندای نداشتند که در سایه آن بیایند، اسلام که برتری را بر اساس تقوی و پرهیز کاری میدانست چنین وضعی را هرگز تحمل نمیکرد و معمار مسلمان ناچار بود هر چیز را باندازه و در خور خود بسازد .

هنگامیکه ایرانیان اسلام را پذیرفتند اکثر بناها چون کاخ‌ها و آتشکده‌ها نقش خود را از دست داد ، تعدادی از آنها در جنگها ویران گردید و بقیه هم بتدریج رو بویرانی نهادولی مدتی نگذشت که اغلب آتشکده‌ها و زیارتگاههای خود را به مسجد تبدیل کردند .

تا آن زمان معماری ایران خصوصیات شیوه قبلی را (که همان پارسی باشد) دارا بود ولی در این هنگام معماری ایران با آغاز اسلام چهره دیگری بخود گرفت و سبک جدیدی را در معماری بوجود آورد که آنرا خراسانی گویند مشخصات عمده شیوه‌های که جایگزین شیوه پارسی گردید سادگی و پرهیز از هرگونه شکوه و تزئین بی‌سورد و کوشش در کاستن ارتفاع میباشد . این شیوه چون در خراسان برای اولین بار نضج گرفت ، آنرا شیوه خراسانی گویند، معماری این شیوه بسیار ساده و خالی از هرگونه شکوه است

چون آفتاب درخشان اسلام از باختر بر ایران زمین تافت مردمی که صدها سال در زیر بار ستم و نابرابری روزگار گذرانده بودند روزنه‌های جان خود را برای آن فروغ تابناک مهربان گشودند و کوشیدند که ارزوهای سرکوب شده و خفته خود را با پذیرفتن دین نو بیدار سازند .

دیری نگذشت که نو مسلمانان ایرانی توانستند با ایمان قوی اسلامی خود فرهنگ پر بار ایران را در خدمت جهانیان قرار دهند ، و آنرا درهمه‌جا منتشر سازند تا آنجا که دانشمندان ایرانی در علوم مربوط به صرف و نحو و ادبیات زبان عرب هم برخود اعراب پیشی گرفتند و کتب بسیاری را از زبانهای هندی و یونانی و رومی به عربی ترجمه کردند تا حدیکه سهمشان در انتشار معارف اسلامی بر سایر ملل مسلمان برتری یافت .

ایرانی‌مسلمان کوشید کلیه مظاهر زندگی خود را بر مبنای اسلام بازسازی کند و بویژه خیلی زود هنر بارور ایرانی را در خدمت اسلام درآورد .

در میان هنرها ، معماری بیش از همه با زندگی پیوند داشته و این پیوند در ایران بیش از هر جای دیگر بچشم میخورد بخصوص در معماری اسلامی ایران که گوئی هنرمند خود را در دست آرزو و خواست و سلیقه مردم نهاده است .

از ارتفاع زیاد و بی مورد برهیز شده است و تا حد امکان بنا کونا هتر ساخته شده و گچ ببری و سایر تزئینات و نما سازی برهزینه بطور کلی از بین رفته و از قرار دادن گنجره های اطراف بام نیز خودداری بعمل آمده است . مصالح بیشتر از نوع ساده و ارزان قیمت و در واقع از همان مصالحی بوده که در شیوه قبلی بکار میرفته است ، مثلا " در تاریخانه دامغان اندود ساده گاه کل ارزه (۱) مورد استفاده قرار گرفته است . و کف بنا لوئینه است . (۲) .

این مشخصات شیوه ایست که تفاوت زیادی با شیوه پیشین ندارد و در آغاز اسلام جانشین شیوه پارسی گردیده است .

از مهمترین تغییراتی که در بناها در این شیوه بوجود آمد تبدیل آتشکده ها و بناهای رها شده و خراب شده به مسجد بود . چون نخست می بایست برای نگهداری آثار گذشته فکری کرد ناچار در آغاز کار راز یگران و دیسایان که دیگر نام معمار و بنا بر خود نهاده بودند دست بکار احیا و بازسازی کاخها و بقستانها شدند .

اگر بنائی از نو هم ساخته میشد باز تفاوت چندانی از لحاظ رنگ و طرح با بناهای پارسی نداشت . تنها تفاوت چشمگیر آن دگرگونی آرایش و سادگی و آرامش آن بود .

آتشکده ها یا مستقیما " تبدیل به مسجد میشد و یا بعد از خراب شدن آتشکده بنای مسجد بر روی شالوده آن ها با همان طرح ساخته میشد ، چون اصولا " معبد می بایست در بهترین منطقه شهر باشد ، از این حیث نیز میتوانست محل مناسبی برای مسجد باشد و همچنین شالوده آماده خوبی داشته باشد .

مسلمانان " ساختن مسجد بر روی بنای آتشکده بمراتب سهل تر و آسانتر از آن بوده که فرضا " بنای جدیدی را در زمین بکریسازند همچنین از مصالح آماده از تخریب این بناها و یا آنچه از خراب شدن طبیعی آنها بدست می آمده در بنای جدید بخوبی استفاده میشده است .

تبدیل آتشکده به مسجد بدینگونه بوده است که یکطرف

آتشکده را که روبه قبله است می بستند و آنجا را محراب قرار میدادند ، عینا " همانحائاتی که بدر بزرگ با خداوند نیایش میکرده است ، فرزند مسلمان او نیز در همانجا به اقامه نماز می پرداخت در واقع آتشکده برای تبدیل به مسجد بسیار مناسب بود زیرا که شیبسانی بزرگ همراه با غرفه هایی بوده که عینا " برای مسجد مورد نیاز بوده است .

مسجد جامع بروجرد نمونه ای از آتشکده های چهار طاقی تبدیل شده به مسجد است ، گوشک ها و کاخ ها نیز بنوعی دیگر تبدیل به بناهای مورد استفاده شدند .

در اخبار آمده است که مسجد جامع بروجرد آتشکده ای بوده است که بعد ها بدستور وزیر آل ابودلف به مسجد تبدیل شده است (نام مجدالدین حمویه بن علی در کتیبه ای که بتازگی پیدا شده یاد شده است) . از وضع این بنا پیداست که از شالوده آتشکده و مصالح آن استفاده شده بطوری که آجرهای زمان ساسانی در آن بخوبی دیده می شود که بشکلی نامرتب چیده شده و این امر عینا " در مورد دروازه امام یزد میتواند صادق باشد و بخوبی میتوان بروجرد آتشکده قبل از مسجد در آن پی برد و توجه کرد که معماری آن متعلق به دورانهای پیش بوده است (دو قرن بعد از اسلام ، اوایل قرن سوم هجری) .

بجز بناهای چهار طاقی که به مسجد تبدیل شده است بناهای دیگری بصورت سربوشیده وجود داشت ، بدین معنی که دارای اطاقهای سربوشیده فاقد در و پنجره بودند که اینها را چفته و یا تالار و ایوان و پیشان میخوانده اند ، نظیر این بناها در سراسر ایران دیده می شود (بخصوص در زمان اشکانیان) و یا اینکه بطور منفرد ساخته می شده اند که آنها را گرا یا حیری و

۱- گاه کلی که با گل رس رنگی و خاک گاه و ریگ روان ساخته شده است .

۲- اندودی است از گل و ریگ و نخاله گچ و گرد آجر

یاگیری می‌گویند که نمونه بارز آن طاق گرا در کرمانشاهان می‌باشد ، این بناها نیز مورد استفاده خوبی برای مسجد بوده است ، بدون اینکه تغییرات مهمی در آنها داده شود مثلا " مسجد جامع نی‌ریز را میتوان نام برد که متشکل از یک ایوان است ، در کرمان و در فردوس مساجدی است که بهمین نحو ساخته شده است ، این بناها که فاقد گنبد خانه و طنبی و گرمخانه است ریشه اصلی مسجد میباشد که بعدها ملحقاتی بر حسب نیاز زمان با آنها افزوده میشده و بتدریج تبدیل بیک مسجد کامل میشده است ، مسجد پیغمبر (ص) الگوی تمام مساجد ایران می‌باشد و مسجد فهرج نمونه بارزی از این طرح است .

اولین مسجد اسلامی :

سنگامیته پیغمبر (ص) در نتیجه دشمنی کفار در سال ۶۲۲ از مکه بمدینه مهاجرت فرمودند ، مسلمانان بعلت عداوت بسیار بد آن حضرت اشتیاق فراوان داشتند که حضرت بسوی ایشان بیایند و بی حضرت انتخاب مسکن بر سرزمین مدینه نموده اند ، در همان مکانی که فرورد آمدند به ما ختن مسجد پرداختند صحابه با آوردن مصالح پرداختند و عمده پیغمبر (ص) آنها را با روی هم چیدند ، مسجد پیغمبر بناایی بود فوق العاده ساده و بی آرایش که متشکل از یک چهار دیواری در حدود ۷/۵ متر در ۷ متر و دیواری با اندازه فد انسان که با سنگ لاشه و گل چیده شده بود و در وسط محوطه سه نخل خشک شده‌ای قرار گرفته بود ، کفاز آن برای گذاشتن فرش پوشش طاق مورد استفاده قرار می‌گرفته است و روی طاق را با پوست حیوانات و برک و شاخه نخل و خرما و نی می‌پوشانیده‌اند (۱) .

مسجد پیغمبر با خصوصیتی که ذکر شد بنا گردید و در مجاورت آن صفای برای درویشان و سالکان مسلمان ساخته شد ، این افراد هستی خود را فدای اسلام کرده بودند و بان عشق میورزیدند ، مانند سلمان و ابوذر که بهیچوجه دوری پیغمبر (ص) برایشان تحمل پذیر نبود .

گرچه بارها بزرگان قریش به پیغمبر (ص) اظهار کرده بودند که در ازای دوری آن حضرت از این افراد به اسلام می‌گروند ولی پیغمبر به خواسته آنها توجه نکردند و برای آنها صافه‌هایی در کنار مسجد ساختند که تشکیل شده بود از سکوهایی که دارای سایه بانی بود . علاوه بر شبستان و صفاها مسجد دارای صحن و روضائی بود که در مواقع مناسب مسلمانها در آنجا اجتماع میکردانند که این قسمت نیز از سایر ملحقات مسجد بوده است .

بهر حال در آغاز اسلام معماری ایران بسیار نغز و مردم وار

شد (شاید معماری کنونی جهان از لحاظ استفاده منطقی از ارتفاع و مساحت و اجتناب از پیرایه‌های بیهوده مشابه آن باشد) .

مسجد جامع فهرج بزد

در بین مساجد اولیه ایران مسجد فهرج که شاید در نیمه

اول قرن اول هجری ساخته شده است ، اثر بسیار ارزنده و عزیزی

است که در دنیا بی نظیر است . بنای این مسجد در زمان

پس از اسلام در قرن اول ساخته شده است و تا به امروز

بهمان صورت نخستین باقیمانده است ، طرح آن بر گیرهای از مسجد

پیغمبر است ، تفاوت آنجا اینست که نقشه آن از طریق کوش به معمار رسیده

است و معماری آن است بدین معنی که مشخصات آن برای معمار

توصیف و توصیف شد و معمار با تجسمی که از آن کرده بنا را

ساخته است و معماری آنرا میتوان ادامه معماری قبل از اسلام

دانست ولی طرح آن طرحی است که پیغمبر (ص) برای مسجد

میخواست است ، بدین معنی که گوشه‌ای از یک معبد یا کاروانسرا

و یا رباطی را و شاید هم گاحی را از قسمت اصلی جدا ساخته و

بنای مسجد را جایگزین آن کرده‌اند ، البته در آغاز تصور بر این

بوده است که این مسجد را در زمین بکر ساخته‌اند ولی بعد با

مشاهده نما سازی قبل از اسلام که در اثر خراب شدن دیوار نزدیک

آن حاصل گردید ، وجود بنائی قدیمی تر در محل مسجد در

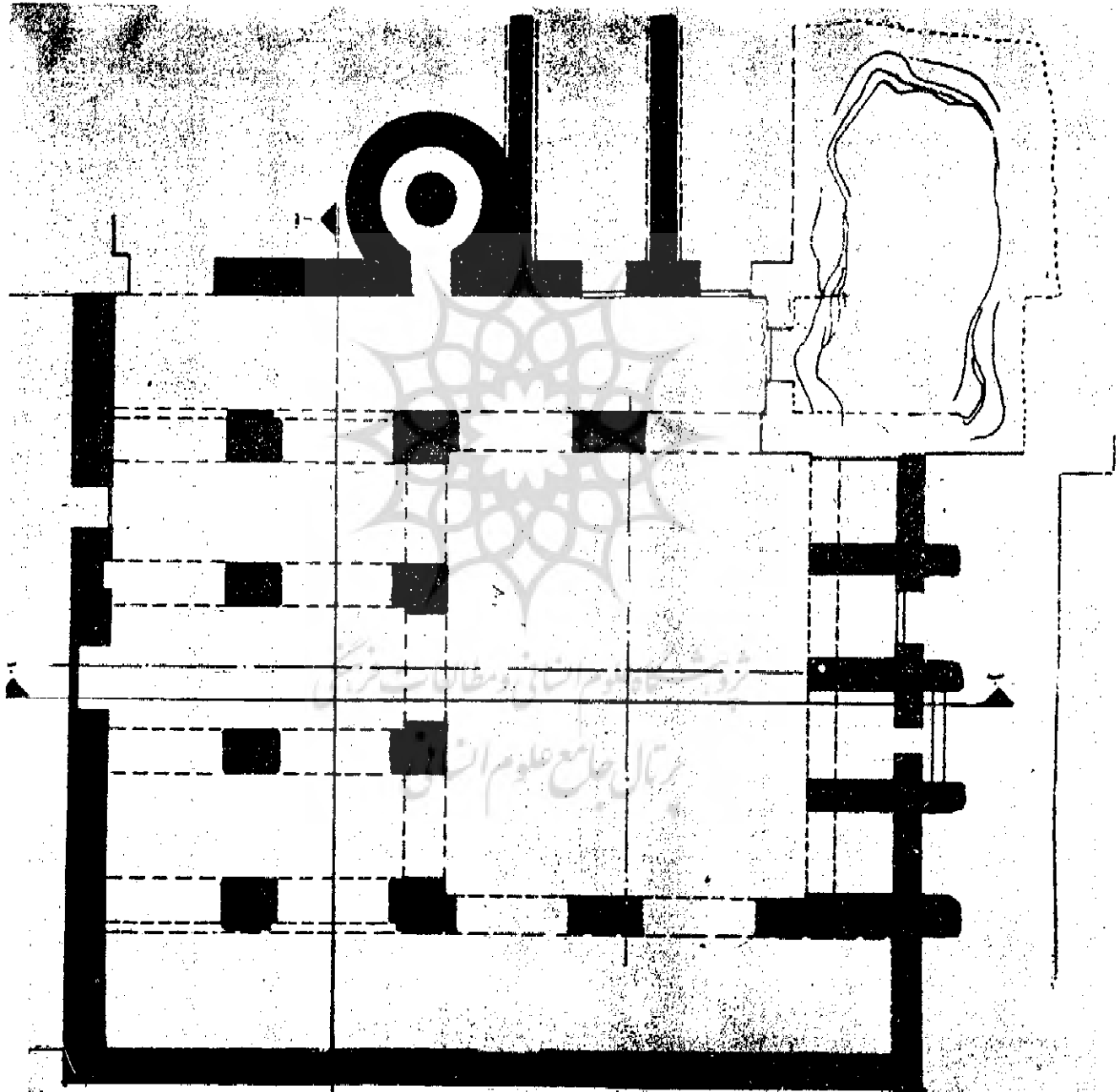
قسمتی از آن آشکار شد ، این اثر دست نخورده و اصیل که با

خشتهای بزرگ ساخته شده است نمائی از سیمکله دارد ، کج برپهای

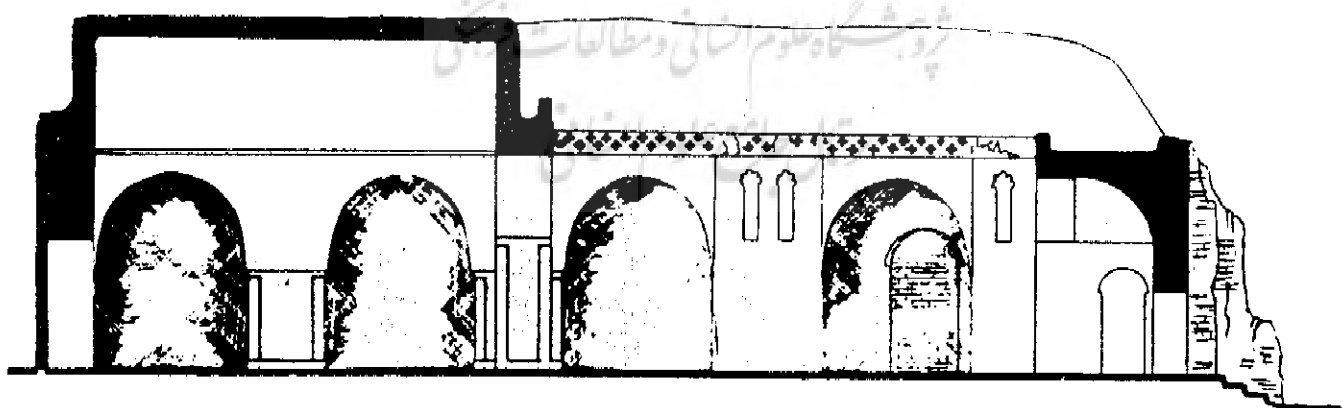
درهم و شکنجی آن که گهگاه از زیر اندوهای گاهگل خودنمایی می‌کند ، انسان را بوجود معبد یا کوشکی که از روزگار ساسانیان است که بعدها با تغییراتی تبدیل به مسجد شده است باندیشه می‌اندازد ، دارای طرحی بسیار ساده و بی‌سرایه می‌باشد و

مناره، مسجد که شاید در قرن چهارم و پنجم بآن الحاق گردیده باخشتهای کوچکتر ساخته شده ، شبستان مسجد دارای ستونهای ضخیمی باطاق می‌باشد و دوراھرو رابط و همچنین چهار صفا که کاملا شبیه مسجد پیغمبر است . و دارای پنج دهانه که

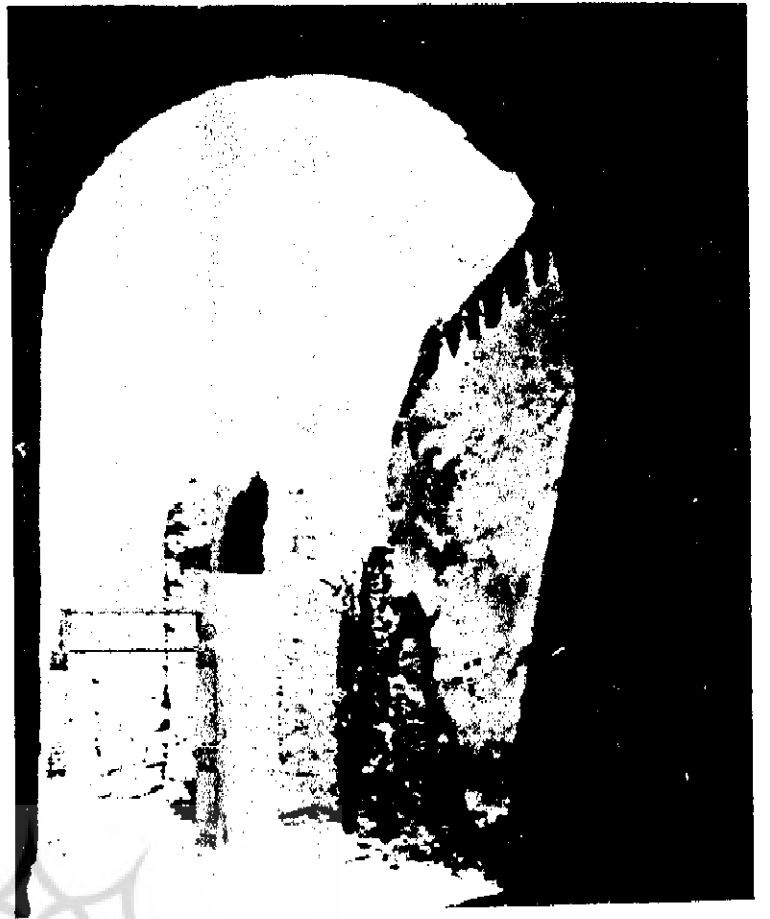
مسجد جامع مہرج (طرح)



مسجد جامع فهرج یزد - مقطع طولی شستان



مسجد جامع فهرج یزد - نمای غربی داخل حیاط و مقطع شستان و صغه



سای ورودی مسجد جامع مهرج

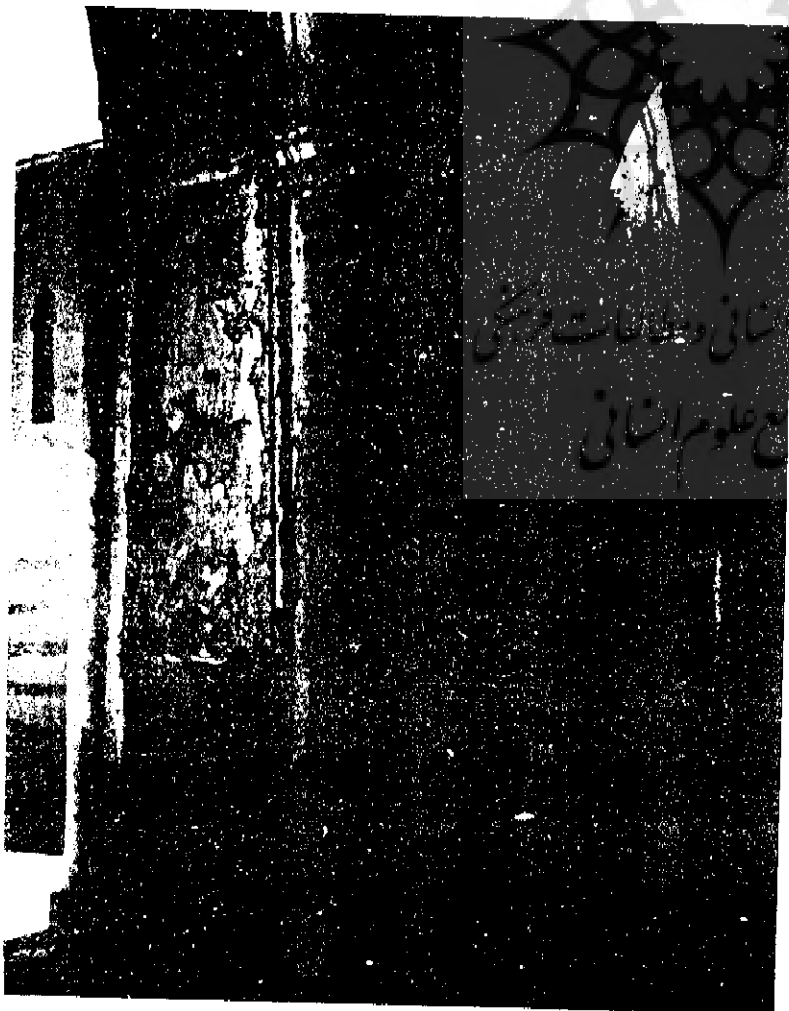


حقیقه‌های سبز (تخم مرغی مسجد جامع مهرج)

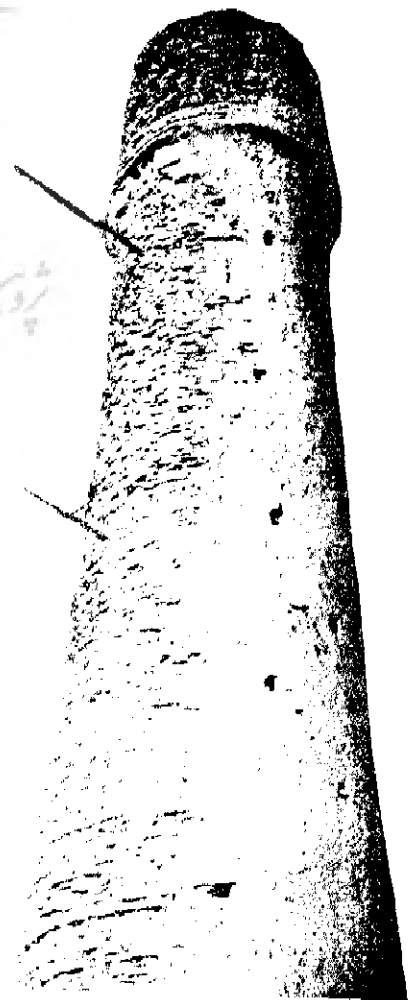
پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

این مسجد دیده می‌شود ، بیش از اسلام دهانه وسطی را بسیار بزرگتر از دهانه های دیگر میگرفتند و حتی برای بزرگتر نشان دادن آن با اسپرها و کور درها (کاذب) و بصورت چند طبقه آنرا بلندتر نمایش میدادند (مانند مدائن که معمار میخواستهبنا را با شکوه هرچه بیشتر نشان دهد و این در معماری قبل از اسلام بسیار طبیعی و رایج بوده است) . در مسجد جامع فهرج با وجود اینکه طبعاً " دهانه وسطی بزرگتر بوده است ، ولی معمار فکر بسیار جالبی برای آن کرده و در کنار آن دو پیلک (دونیم ستون) قرارداده و دهانه وسطی را هم با اندازه دهانه های دیگر جلوه گر ساخته است که البته این طرح جایگزین تضادی می باشد که بین

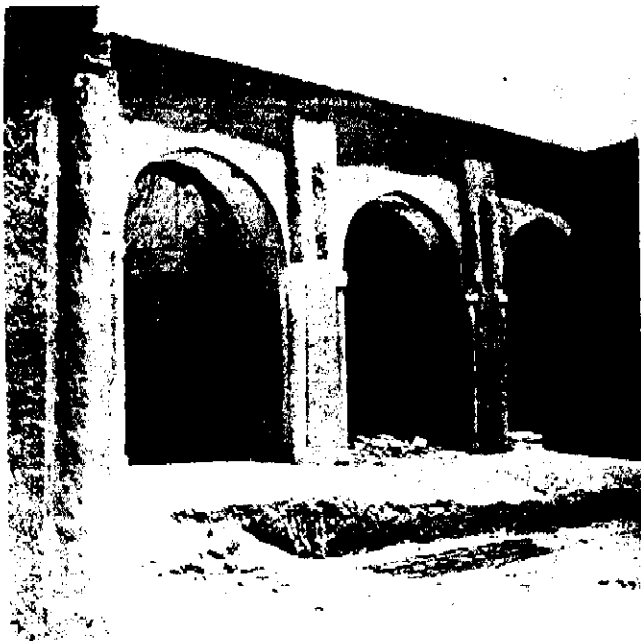
آخرین که دنباله ایوانهای شرقی و غربی است دهانه های کوچکتر دارد . قوسها همه ناری (بیضی) است و طاقها نیز ناوی و آهنگ (کوره پوش) است و بر خلاف تاریخانه دامغان و شبستان زیرزمینی جامع سمنان کوشی نشده است تا با پوشش چهار بخش کوتاه تر شود و مانند بناهای پیش از اسلام بلندی و فراز شکوهمندی دارد . اصولاً " چون معماری مرسوم ایرانی بر اساس معماری طاقی است بدین طریق که دهانه وسطی معمولاً " از دهانه های دیگر بزرگتر گرفته شده و هر چه که به انتها نزدیکتر می گشتند برای اینکه از رانش طاق بنا کاسته شود تا بالاخره در انتها خنثی گردد ، دهانه ها کوچکتر می شده است ، این روش کاملاً " در



یزد - نیم ستون دهانه وسطی در مسجد فهرج



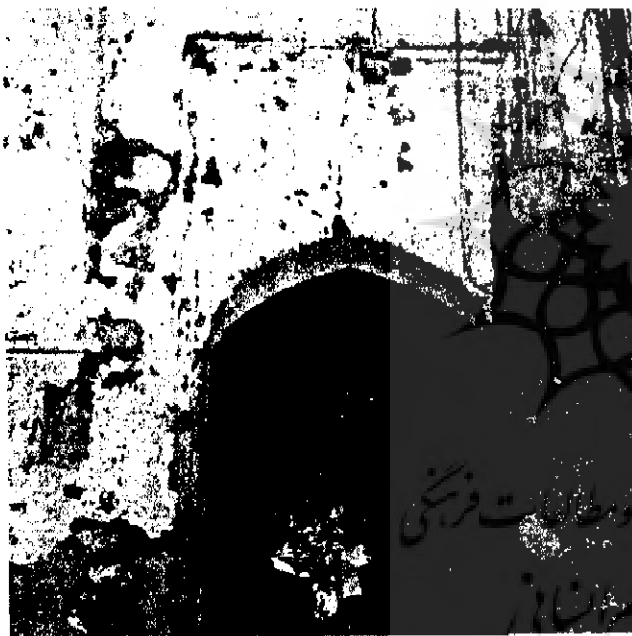
یزد - منار خشتی مسجد فهرج که الحاقی است



نمای صفاها مسجد فهرج



نمای داخل شبستان مسجد فهرج



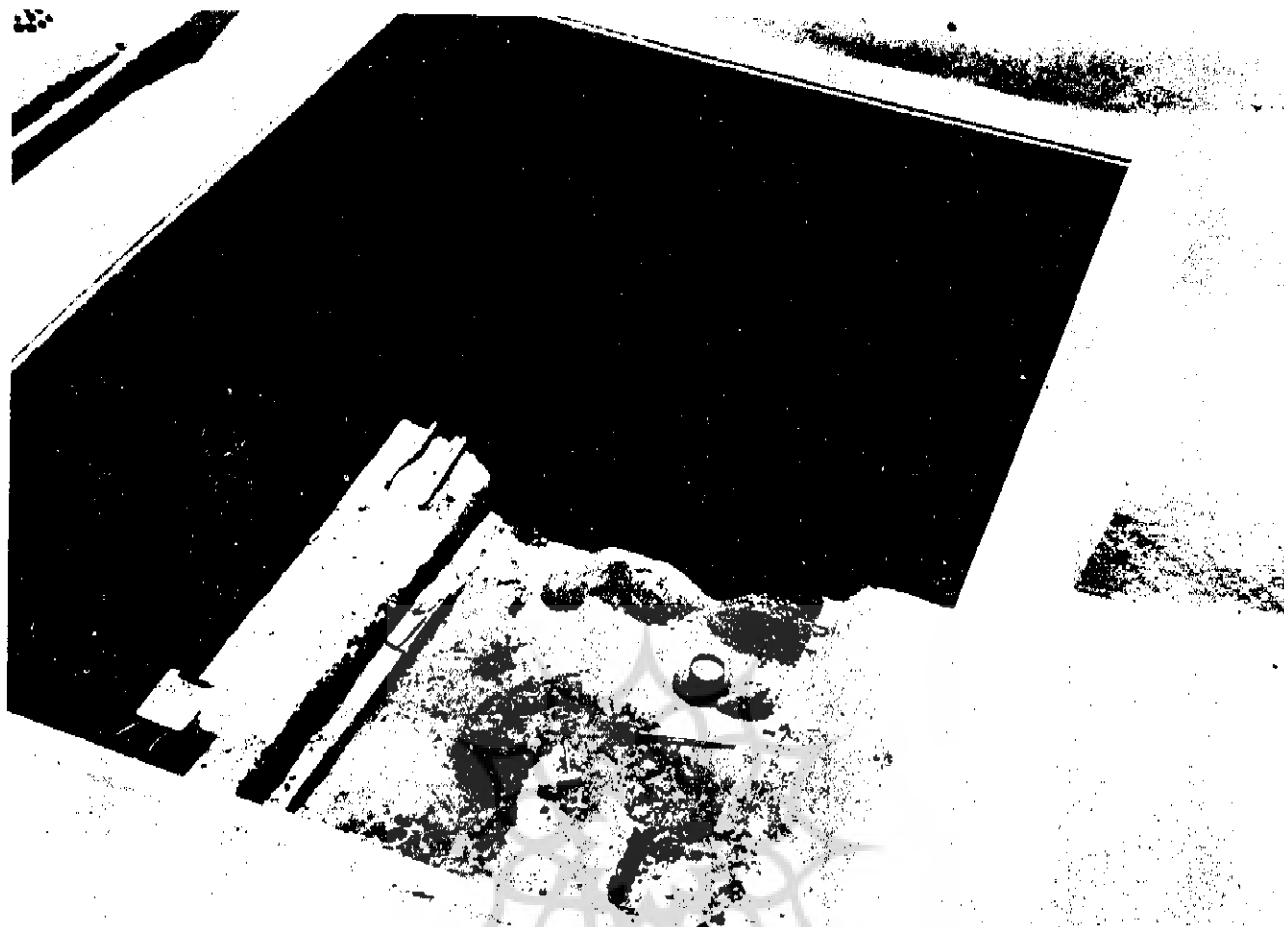
برد - محل محراب در فهرج که معدا " محراب دیگری در آن کنده شده

درهای زیبای کهن بدست آیندگان بدهد .

ورودی اصلی مسجد فعلا " در کناره مناره است و چندان کهن نیست و گمان می‌رود که همزمان با الحاق مناره احداث شده

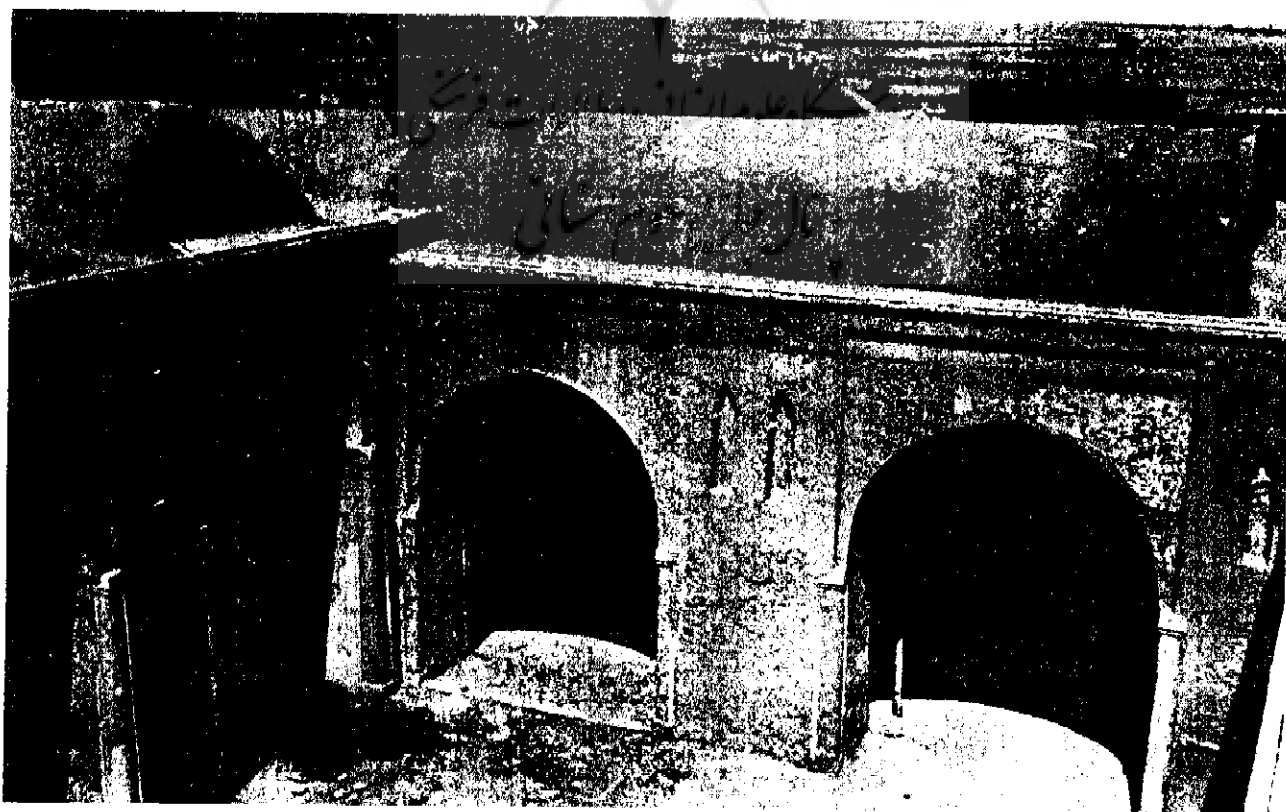
دهانه‌ها وجود داشته است و آنرا تبدیل به یک آرایش ساده سدهانه‌باستون و حجرز نسبتا "پهن و بیگ نوع وحدت و آرامشی کرده است کفانسان را متوجه به اصل موضوع یعنی عبادت می‌کند . حیاط و صحن کوچک مسجد از جنوب به سه دهانه شبستان و از شرق و غرب هر یک بدو دهانه ایوان محدود میشود و بر جانب شمال آن چهار صفا است در اینجا برای پوشش صفاها روی ترنبد بسیار ساده گریواری با چفت زده‌مانند و بلافاصله نم گنبد ساده روی آن ساخته شده (درست مانند اینکه یکی از گنبدهای ساسانی را نصف کرده باشند) در این صفاها جای درگاه مانند درگاههای شیوه پارتی همه دارای جانه است . (یعنی پا کارطاقی و چپله سردرگاه کمی از جزهای دو سوپس نشسته است) و این وضع عمومیت دارد .

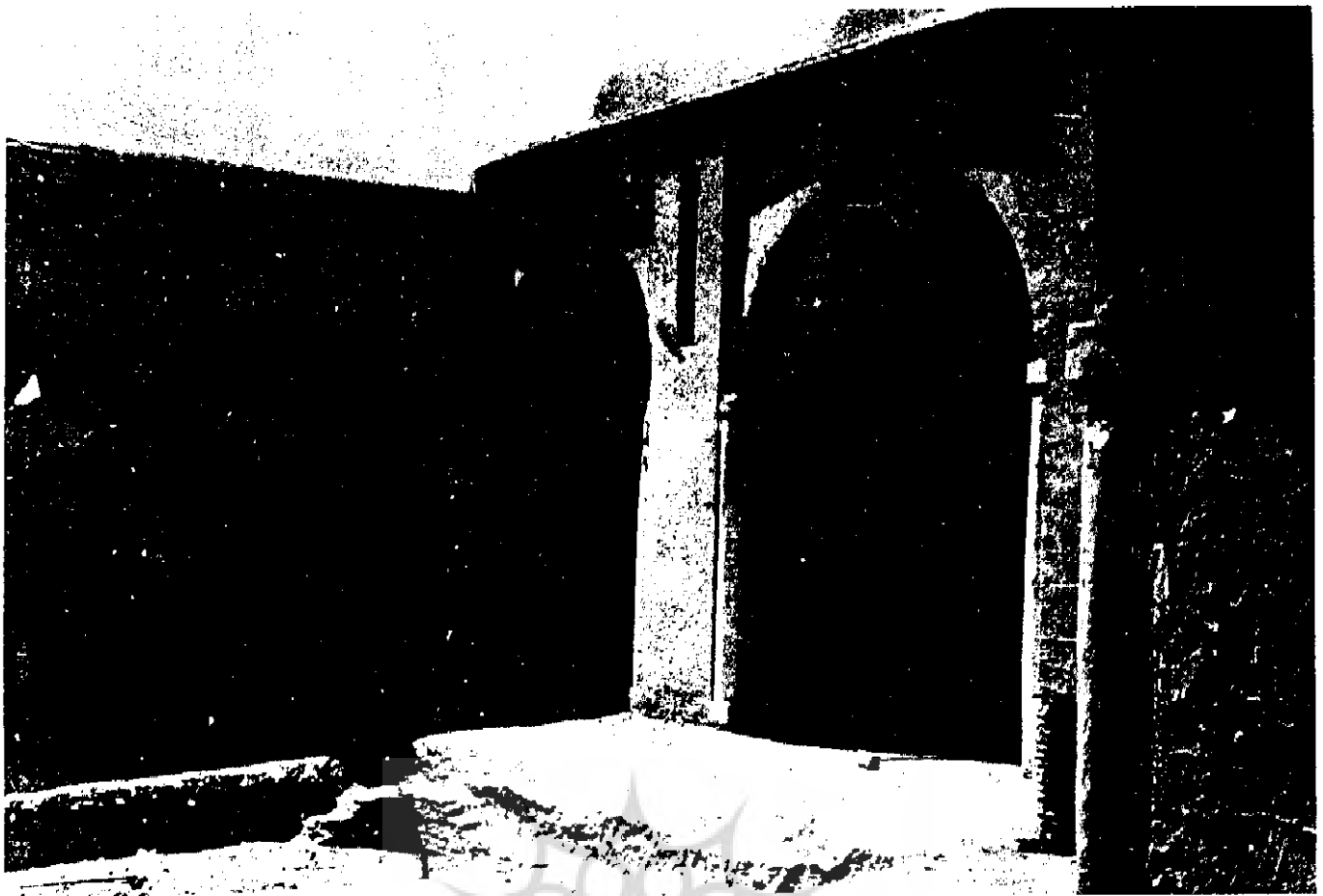
از خصوصیات جالب این مسجد نقش درهای مجللی است که با گچ بر روی دیوار شرقی ساختمانند و بنظر می‌آید چون نصب درهای مجلل و آراسته در بناهای قرون نخستین اسلام ممنوع بوده ، معمار میخواست است با این نقش‌ها نمونهای از



◆ دامغان - نمای رواق‌های روبه‌حیات در نارنجانه

◆ دامغان - حیاط مسجد تاریخانه



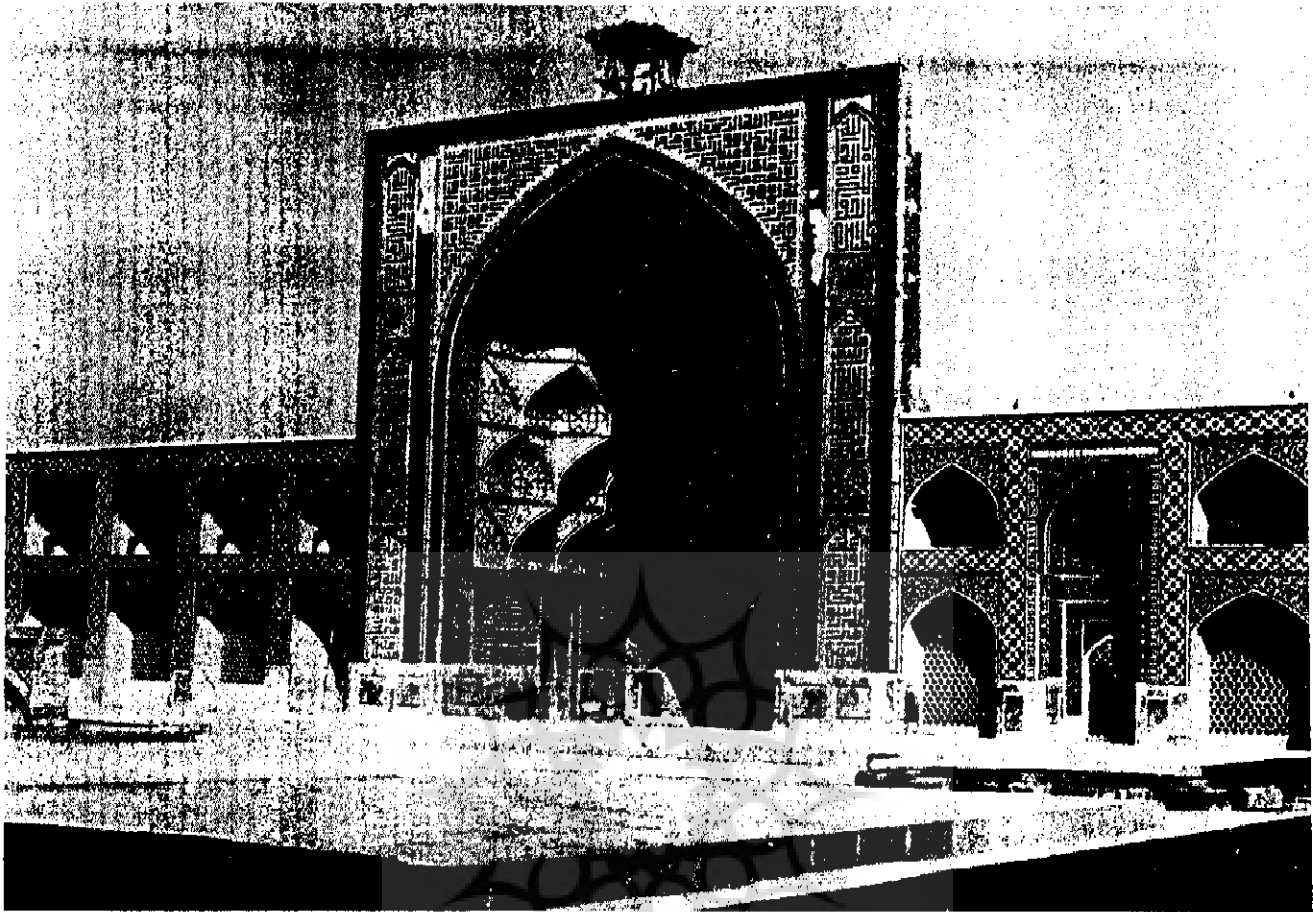


دامغان - نمای قسمتی از شبستان و راهرو واسطی در بارخانه

دید می‌شود. این اثر بسیار ارزنده از لحاظ سبک معماری و طرح می‌تواند کهن‌ترین مسجدی باشد که در ایران زمین شناخته شده است. در اطراف سرد مطقه‌ای است بنام عزآباد و نیز در کوهستانهای سرد مطقه‌ای است بنام توران پشت که در این دو منطقه مساجدی وجود دارد که طرح آنها بسیار ساده است، بنای این دو مسجد دارای شبستانی است که از دو قسمت نامساوی تشکیل شده، قسمت بزرگتر که محراب در آن واقع است مردانه می‌باشد و قسمت کوچکتر زنانه، نمونه دیگر مساجدی که به این ترتیب می‌باشد مسجد محمدیه سرکوجه نائین است که از دو دالان طولیل تشکیل شده است، که در وسط آن گنبد قرار دارد (این گنبد بعداً اضافه شده است) بالاخره وقتی ابومسلم در خراسان علییه حکومت ستم‌پیشه امویان قیام کرد، دستور داد که در تمام شهرها و شهرکهای ایران مساجد با شکوهی برپا کنند. مسجد نینابور از جمله

است و مستقیماً "به شبستان باز می‌شود. معماری مسجد بحر طرح اصلی که چیز تازه‌ایست کاملاً "بر اساس شیوه پارسی است و حتی با معماری تاریخانه دامغان و شبستان زیرزمینی جامع سمنان متفاوت است. طاق مسجد ارتفاع چشمگیری دارد و هیچگونه تلاشی را که می‌بایست قاعدتاً "برای سبک کردن و مردم‌وار ساختن بنا بکار رود، دیده نمی‌شود و همچنان چون بناهای پیش از اسلام ایران شکوهی غرور آمیز دارد ولی طرح آن ساده تر از تاریخانه است. مسجد فهرج کلا "از خشت خام ساخته شده و نمای سیمکلی (۳) و گل ریگ و جفت های گچی است. برای آرایش نما از طاقچه‌های کوچک با پوشش شکنجی و نقش های شکنجی و دالبری استفاده شده و در جایی نقشی از کنکره‌های تخت جمشید نیز

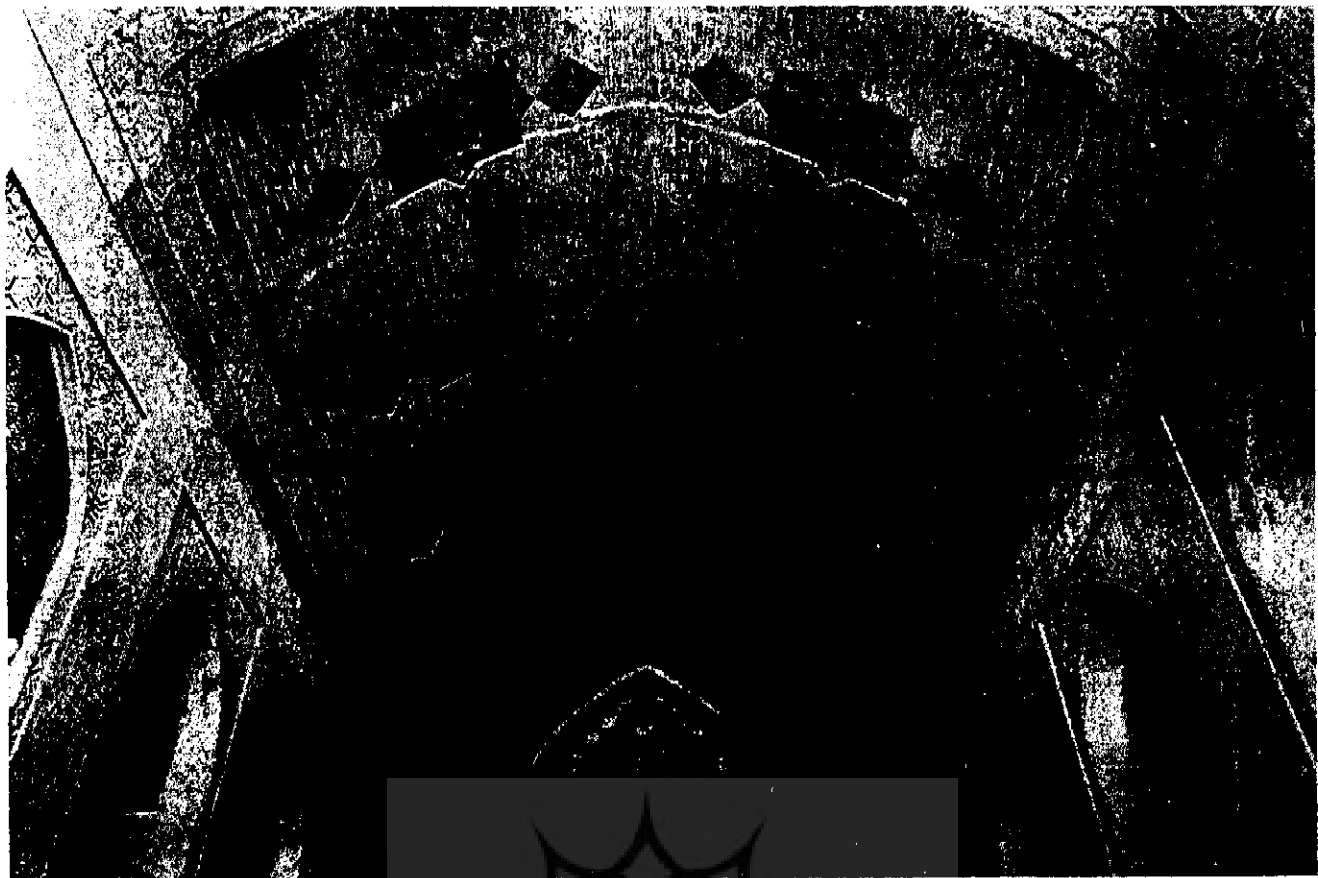
۲-ریگ حیلی نرم که بجای گاه با گل مخلوط می‌شود.



اصفهان - دهانه‌های سامان ارتفاع اصلی

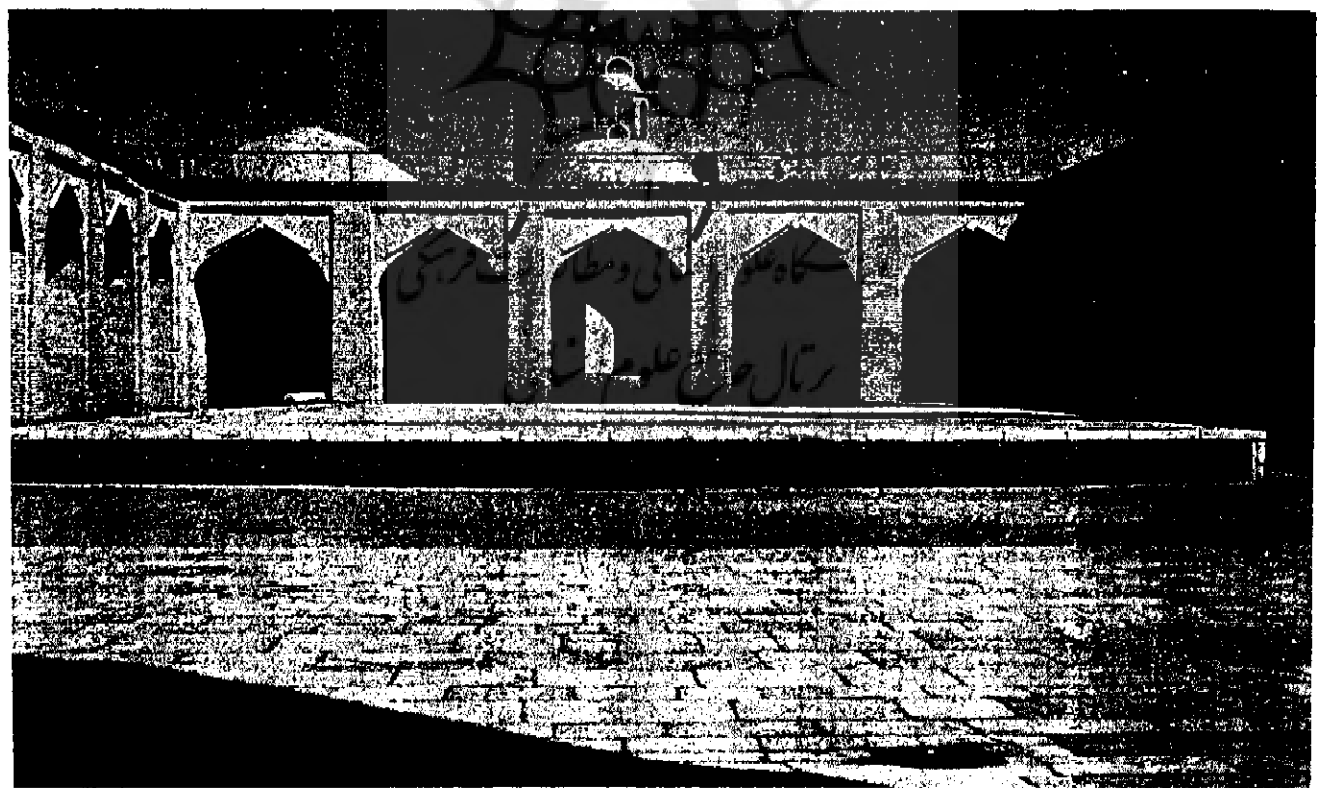
تائین : مسجد سرکوجه محمدیه





بافیه‌بند صفا ورودی از طرح قدیم مسجد جامع اصفهان

بزد - سمتی از حیاط مسجد جامع



مساجد معروف است که کنجایش ۶۰۰۰ نفر نمازگزار را دارا بوده مسجد جامع یزد و اصفهان و ساوه از دیگر مساجد معروف این شیوه می باشند .

مسجد تاریخانه دامغان :

دیگراز مساجد قرن اولیه هجری ، مسجد تاریخانه دامغان می باشد ، که در اواسط قرن دوم هجری ساخته شده است .

این مسجد نیز از جمله مساجد ستوندار است ، حیاط این مسجد مربع شکل است که در سمت قبله آن یک تالار ستوندار و در سه سمت دیگر آن یک ردیف رواق ساخته شده است .

تالار ستوندار دارای هفت ناو طولی ، در جهت قبله و سه ناو عرضی است بنحوی که ناو وسطی شامل محراب و منبر است . ضلع آجرهای مربع ۳۴ و ضخامت آنها ۲/۵ سانتی متر است که متناوباً افقی و عمودی رویهم قرار گرفته و ستونهای بقطر ۱/۶ متر نشان میدهد . این ستونها بار پوشش تبستان و همچنین ایوانهای عمود بر حیاط را تحمل می کند ، سقف رواقهای سه طرف دیگر مسجد نیز گهواره‌ای است که رو به حیاط زده شده و در روی قوسهای متکی به ستونها قرار گرفته است .

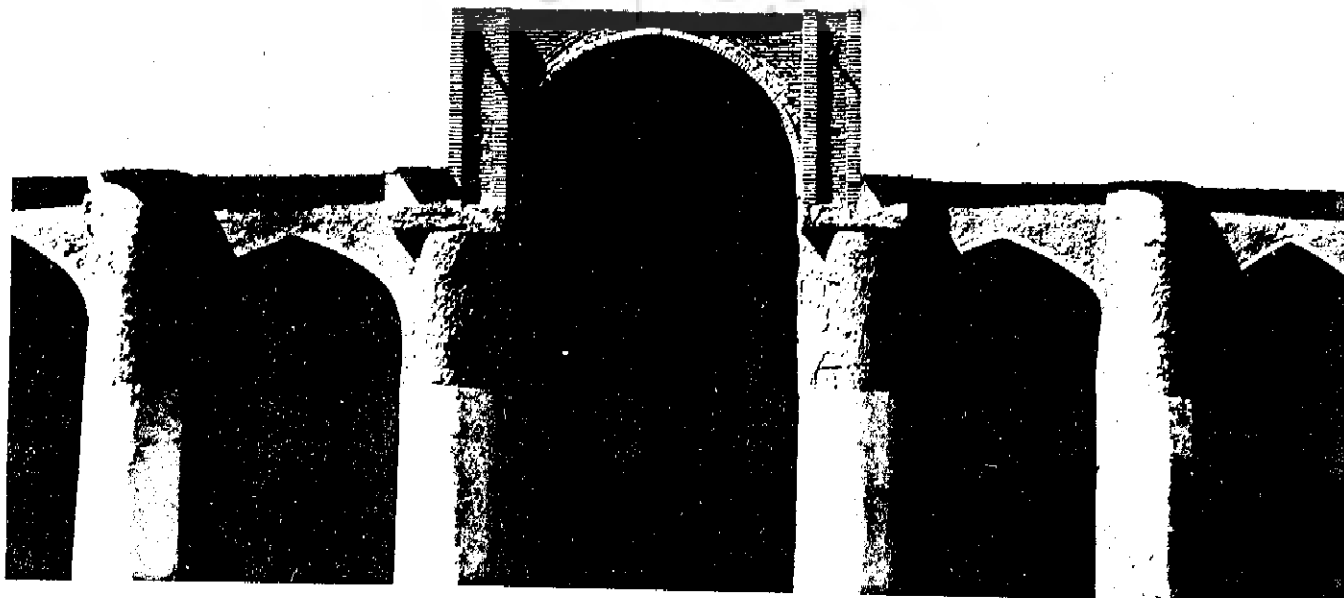
این قوسها که در بالای درگاههای طرفین ناوهای تبستان

و انتهای گهواره‌های آن نیز بچشم میخورد ، بیضوی است ولی اندکی شکسته بنظر می آید . این مسجد در شمال و مغرب دارای ملحقاتی بوده که از بین رفته است . سه دراز ضلع غربی و پنج دراز ضلع شمالی باین ملحقات ، که فعلاً " مخروبه است راه میداده است ،

سقف رواقها مانند ملحقات از خشت ساخته و بزودی خراب

شده است ولی برای شناخت حالت اول ، ابتدا یکی از آنها که موجود است ، مارا راهنمایی میکند ، در این بنا آجر ، برای ستونها و قوسهای پائین و خشت ، برای سایر قسمتها بکار رفته است و در سر ستونهای نازک که پایه قوسها را تحمل میکرده قطعات چوب بکار رفته و همچنین در محور بعضی قوسها برای استحکام و اتصال ستونها بدیوار چوب استعمال شده است . ستونها و قوسها و سقف ها شامل یک پوشش نازک گچی بوده و هیچ پله‌ای تبستان را از حیاط جدا نمیکرده است . این مسجد پلان و فرم و مصالح بناهای ایران قبل از اسلام را بخاطر می آورد . قوسهای تاریخانه به آرامی بطرف جناغی مربوط و از این نظر شبیه قوسهای پشت نمای طاق کسری می باشد و مرحله‌ای از تحول قوس بیضوی ساسانی به قوس جناغی اسلامی را نشان میدهد) .

مسجد تاریخانه دامغان

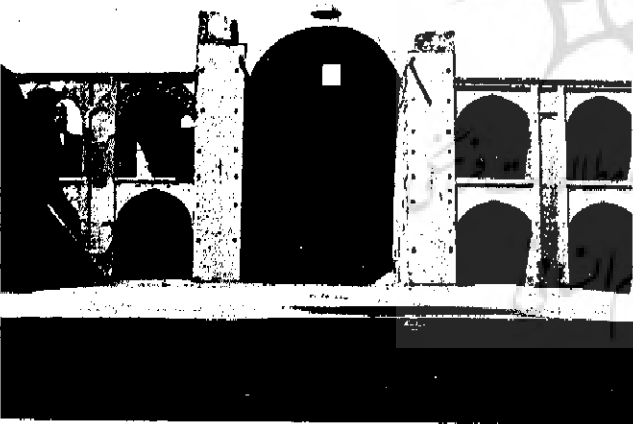




سازمان دامغان



محراب مسجد جامع ابرقوا واقع در یکی از ایوانهای قرن هشتم



ابرقوا - صفا و سغای مسجد جامع نامی مانده از مسجد قلی

مسجد جامع ابرقوا:

دیگر از مثالهای بارز این شیوه مسجد جامع ابرقوا است که اکنون ویران و مشتمل بر حیاط مربع مستطیل است که چهار ایوان در چهار طرف داشته ، شامل دهلیزها و شبستانها و متعلقات دیگر هم بوده است .
قدیمی ترین قسمتهای آن شبستانی است مربوط به دوره سلجوقی که با خشت خام ساخته شده است .

در ایوان شرقی مسجد محراب گجبری بسیار عالی وجود دارد و میتوان آنرا نشانه تعمیرات مفصل و فراوانی دانست که در اواخر سلطنت سلطان ابوسعید در مسجد مزبور بعمل آوردند و شبستان بزرگی هم در امتداد ایوان بزرگ مسجد کمی پس از تعمیرات مزبور ساخته اند که در نوشته بالای محراب آن اشاره بدین مضمون شده است که حسن ابن حاجی محمد ابن احمد مشهور بفراش و ملقب به حاجی امین الدوله ابرقوئی بانی ساختمان این قسمت مسجد بوده آنرا متصل به مسجد قدیم ساخته است بطور کلی مسجد جامع ابرقوا از ابنیه های بشمار میرود که محتاج تعمیر فراوان توأم با علاقمندی و دلسوزی بسیار می باشد .

از آخرین بازمانده های این شیوه گور اسماعیل سامانی در بخارا و گور ارسلان جاذب در سنگ بست خراسان را میتوان نام برد ، این شیوه تا چهار قرن ادامه می یابد و با گذشت زمان خصوصیات اصلی خود را از دست میدهد . و شیوه رازی یا پیرایه زیباتر و پر کارتر ظاهر میشود .

منابع :

- ۱- ایران در زمان ساسانیان
- ۲- هنر و باستان شناسی
- ۳- تاثیر هنر ساسانی در هنر اسلامی
- ۴- افلیم پاریس